

۱. گروههای راهبردی که در زمینه های دیگر فعال هستند با یکدیگر هم سنگ نیستند، گروههای راهبردی زاگرس و شمشاد هریک بر موضوعات خاص خشکیدگی بلوط و خشکیدگی شمشاد تمرکز دارند، موضوع مرتع موضوعی بسیار فراتر و مسائلی با پیچیدگی های زیاد پیش رو دارد.
۲. در موضوع مرتع مسئله را نباید آنقدر در ابعاد بزرگ و گسترده ببینیم که نتوانیم راه حلی برای برون رفت از مشکلات آن بیابیم و نه آنقدر آن را محدود کنیم که سرانجام محدود به تعریف چند پروژه خاص شود، مسائلی مانند افزایش درآمد مرتعداد و کاهش هزینه های آن در جای خود خوب است ولی نخست از نگاهی جامع تر باید به یک جمع بندی برسیم و جایگاه افزایش درآمد و کاهش هزینه در آن نگاه جامع بیابیم و به آن بپردازیم.
۳. همه در اصل نقش سازنده مشارکت در مدیریت مرتع و مسائل آن توافق دارند ولی هنوز یک درک و فهم مشترکی نسبت به موضوع وجود ندارد.
۴. لازم است طرح یکپارچه مرتع که در آن مرتعداد از سایر مزایا و حقوق مرتع، علاوه بر علوفه دام برخوردار گردد.
۵. هنوز اطلاعات جامع و کاملی از دام و مرتع نداریم، تا برپایه شناخت نوع مسائل و مشکلاتی که در مراتع مختلف کشور وجود دارد و شدت بروز آنها راه حلهای متناسب با آن را مورد بحث قرار دهیم.
۶. سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور به حسب وظایف قانونی مسؤلیتهایی را عهده دار است، و در مدیریت مراتع کشور تعیین حق استفاده از مراتع بر اساس ضوابطی که قانون و آیین نامه های مربوطه مشخص کرده، به عهده سازمان است (تعیین بهره بردار ذیحق، تعداد دام مجاز برای چرا در مراتع و مدت زمان مجاز استفاده از مرتع) برای رفع مسائلی که مانع از اجرای صحیح این قانون می گردد، از جمله دام مازادی که در بسیاری از موارد متاثر از تعداد زیاد جمعیت بهره بردار است، قانون وظیفه ای برای سازمان تعریف نکرده است، اختیاری فراتر از وظایف قانونی برای ورود به مسائل ندارد و امکانات لازم حتی برای انجام همین وظیفه تعریف شده در قانون نیز ندارد.
۷. در نحوه اجرای قانون به نوعی که اطلاع و ارزیابی دقیقی از آنچه در اجرای قانون اتفاق افتاده نداریم، از مهم ترین علتهای این نقیصه برای اجرا این است که تهیه کننده، اجرا کننده و نظارت کننده طرح های اجرایی یک مرجع واحد است.
۸. در پرداختن به موضوع درآمد و هزینه مرتعدار باید بین نظام عشایر و روستایی تفاوت قائل شویم، و توجه داشته باشیم که در روستا درآمد صاحبان دام استفاده کننده از مراتع، عمدتاً متکی به کشاورزی است. اگر در ارائه نظرات، افزایش درآمد و کاهش هزینه را به عنوان راه حلی برای فراهم کردن زمینه بهبود مراتع می دانیم باید درآمد فرد از مرتع و کشاورزی را توأم مورد ملاحظه قرار دهیم علاوه بر این در روستا ممکن است برخی افراد که صاحب دام استفاده کننده از مرتع هستند درآمد از منابع غیر وابسته به کشاورزی داشته باشند.
۹. به نظر می رسد تصور از درآمد زائی از سایر منابع مرتعی برای مرتعدار غیر واقعی است، از جمله گیاهان دارویی (در همه مراتع گیاهان دارویی از نظر نوع و تراکم در اندازه ای نیستند که بتواند درآمد قابل اعتنایی برای مرتعدار داشته باشد، دوم اینکه در مناطقی که این بهره برداری ها صورت می گیرد، اغلب توسط غیر مرتعدار است). (رفع مشکلات پیش روی اصلاح نظام بازرگانی و دلالتی پیچیدگی های زیادی دارد، بنابراین توجه به سازو کار بازار از اهمیت زیادی برخوردار است)، ظرفیت گردشگری فقط در نقاط خاصی مطرح است، ولی هنوز این اطمینان را نمی توان داد که فعال کردن این ظرفیت منجر به اثر مثبت برای بهبود مراتع گردد، زیرا در مدیریت مناطقی که اکنون عرصه گردشگری است، مشکلاتی وجود دارد که نگرانی هایی را در خصوص تخریب ناشی از گردشگری نادرست را موضوعیت می بخشد. شاید تنها جنبه ای که درآمد آن می تواند در خور توجه برای مرتعدار باشد تغییر کاربری است که این امر نیز موضوعی است که باید خیلی سنجیده و با اتکاء به قوانینی که اطمینانهای لازم را برای عدم انحراف از مسیر اهداف آن فراهم نماید، مورد توجه قرار گیرد.
۱۰. جامعه مرتعدار را نباید جامعه ای یکدست تلقی کرد، این گونه نیست که همه مرتعداران بنیة اقتصادی مناسب برای هزینه در امر توسعه مرتع نداشته باشند، کمترین هزینه ای که لااقل از قشر برخوردار مرتعدار می توان داشت، رعایت ظرفیت چرا و کاهش جمعیت دام مازاد

است. در مورد این بخش از جامعه مرتعدار باید در اجرای قانون جدی تر عمل کرد. باید توجه داشت که تخریب مرتع به معنی ایجاد نوعی هزینه ملی برای کشور است، زیرا پیامدهای آن محدود به زندگی همان مرتعدار و همان مرتع نمی گردد، هزینه های ناشی از فرسایش خاک و کاهش عمر مفید سدهای ذخیره ای به دلیل افزایش رسوب، از بین رفتن ذخایر ژنی گیاهی کشور و کاهش تنوع زیستی که ایران متعهد به بهبود آن در کنوانسیونهای بین المللی است، از جمله خسارتهای ناشی از تخریب مراتع است، از این رو برای بخشی که کاهش جمعیت دام زندگی آنها را مختل نمی کند باید جدی تر بود.

۱۱. اگر اصل استفاده متناسب با ظرفیت تولید را از مراتع همه پذیرفته اند، بنابراین در مورد عشایر کوچ رو که مشکلات ناشی از ورود زود هنگام آنها به مراتع و خروج دیر هنگام آنها از مراتع در بسیاری از مناطق به دلیل تغییر کاربری مراتع میان بند به سایر کاربری ها از جمله کشاورزی موضوعیت یافته است، بنابراین باید برای تقویم زمانی که دام در مرتع میان بند بوده است، چاره اندیشی کرد، اگر بپذیریم که هزینه تخریب مراتع در بسیاری از موارد زیاد و در مواردی غیر قابل جبران است، خرید زمین های کشاورزی در قلمرو میان بند و تخصیص آنها برای تامین علوفه دام عشایر با حمایت تسهیلاتی دولت به عشایر به عنوان یک راه حل جهت برون رفت از این مشکل قابل تامل و بررسی می باشد. تکرار طرح مشکل تاکنون نتیجه برای حل آن نداشته است.

۱۲. بهتر است همه جامعه و دست اندرکاران در کشور هزینه های لازم برای حل مشکلات مراتع را متقبل شوند کمالینکه در برخی از مسائل از جمله مسئله آب به مراتب توجه بیشتری صورت می گیرد و جامعه بخشی از هزینه های آب را متقبل می شود ولی در مرتع که یکی از منافع آن برای کشور تامین آب سالم است، این توجه صورت نمی گیرد. باید توجه داده شود که آثار اقتصادی مرتع در صورت پایداری مرتع، دائمی است.

۱۳. به کاهش درآمد مرتعدار در مواردی که نوسانات بازار آن را متضرر می کند، مشابه سایر مسائل توجه نمی شود، به محض افزایش قیمت گوشت، با واردات گوشت ارزان درآمد مرتعدار که علی القاعده باید متناسب با تورم افزایش یابد، کاهش داده می شود، ولی هزینه های آن از جمله تامین جو که بخشی از هزینه علوفه زمستانی دام را در بر می گیرد، دامدار وابسته به مرتع باید از بازار آزاد تهیه کند. اگر حل مسائلی از این نوع مورد توجه قرار گیرد، می توان در افزایش درآمد مرتعدار کمک موثری داشته باشد.

۱۴. موضوع مرتع یک مسئله توسعه ای است، توجه به همه پتانسیلهای مرتع از جمله گردشگری، معدن، زنبور عسل باید برای افزایش درآمد مرتعدار برای آن منافع از این پتانسیلها دیده شود.

۱۵. تغییر کاربری با هدف فراهم کردن زمینه بهبود مراتع و اقتصاد بهره بردار مطرح است، ولی موضوعی حساس و پیچیده است از این رو نباید تا قبل از اطمینان از در اختیار بودن قوانین کارآمد برای جلوگیری از انحراف از اهداف، به آن رسمیت داده شود. نظر به اینکه در همه مراتع پتانسیل لازم برای تغییر کاربری وجود ندارد، بنابراین در مراتعی که تغییر کاربری موضوعیت می یابد منافع آن برای عرف های هم جوار و به بیان دیگر از این امکان برای مشکلات مراتع همجوار نیز باید استفاده گردد.

۱۶. در سایر پتانسیلها که برای حل مشکلات مرتع مطرح می گردد از جمله پرورش آبزیان، زنبورداری، گردشگری، سازمان از ظرفیت فنی لازم برای مدیریت آن برخوردار نیست.

#### دستور جلسه آینده :

۱. ارائه نتایج کلی استفاده چندمنظوره از مرتع

۲. عشایر